

کتابخانه عاشقانه

دختران دلریز؛ نویسنده: داود غفارزادگان؛ نشر چشمه

دستی داشته، از نوشتن برای «سروش نوجوان»، جشنواره گشته، «کلاه لگنی»، «آسیابان»، کودکان تا تصحیح متون کهن مطبوعات و جشنواره ادبیات «بازگشت»، «سنگ و ماهی». و نوشتن داستان کوتاه و رمان، مقاومت از جمله دستاوردهای او این داستان‌ها را در فاصله و هر یک از این کتاب‌ها، برای اوست. میان دهه هفتاد و هشتاد نوشته او موقیت‌هایی به همراه آورده «دختران دلریز» شامل است. بلندترین داستان این است. جایزه ۲۰ سال ادبیات شانزده داستان کوتاه است: مجموعه «درخت جارو» است داستانی برای کتاب «ما سه نفر» پدر گیاه‌شناس من، «دختران و کوتاه ترینش داستان سه هستیم»، نشان طلایی از جشنواره دلریز، «بود و نبود»، «درخت صفحه‌ای سنگ و ماهی». بزرگ برگزیدگان ادبیات کودک و جارو، «دیوار»، «خرروس»، او در بسیاری از داستان‌های نوجوان به عنوان یکی از بهترین «شهود»، «هیچ پرنده مردای این مجموعه مرز میان واقعیت داستان نویسان دو دهه بعد از روی ایوان خانه، «عدل ظهر»، و خیال را می‌شکند تا تلقی انقلاب، جوایزی از کانون پرورش «فوت ناگهانی»، «اسم تو مثل تازه‌ای از واقعیت برای فکری کودکان و نوجوانان، مجله عطر ریخته است»، «گم - خوانده‌اش تصویر کند.



«دختران دلریز» مجموعه داستانی است از «داود غفارزادگان» که به تازگی در نشر چشمه باز نشر شده است. این مجموعه داستان نخستین بار در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسید. «غفارزادگان» نویسنده ای است که در همه حوزه‌های ادبی

رمان «پریباد»؛ نویسنده: محمدعلی علومی؛ نشر آموت،

این داستان این‌گونه آورده است: هم می‌گویند این شهر کنار شهر پاسخی هم هستند بر این که قصه‌ها در جهان جدید نمرداند. «هیچ قصه‌گویی ندیده بودم که سوخته بوده است.» قصه پریباد را کاملاً بداند. شهری بوده انگار به نام پریباد که یک راوی داستان، ماجراهایی حیرت‌انگیز به تاریخ معاصر ایران، فرهنگ شب محومی‌شود و یا طوفان آن از شهر «پریباد» حکایت می‌کند. مردم و اسطوره‌های ایرانی را می‌برد و شاید برعکس، طوفان، ماجراهای عجیب و غریب که آن‌ها نوشته شده است.

شهری را می‌آورد به نام پریباد. را از پدرس و او از پدر خود و او از علمی، پیش از این سوگ بعضی می‌گفتند ساکنانش دیو نیز از پدر خود یعنی مهرک، پسر مغان، آذرستان، شاهنشاه در کوهه بودند. در قصه‌ها، مکانش را حدود میرزا فرجاد شنیده بود. خانمش هم دلگشا، اندوه‌گرد، من نوکر صدام، ایزدخواست در اطراف یزد می‌دانند هرچه را درباره پریباد و مردمش و طنز در آمریکا، وقایع نگاری بن شده، و تمثیلی از طمع و بهره‌کشی و در روایت‌هایی، کنار جبار بارز، ماجراهای شهر حکایت ماجراهای لادن و خانه کوچک منتشر شده استعمار از مردم ایران است. راوی حدفاصل بهم با نرم‌اشیر. زابلی‌ها حیرت‌آور و عجیب و غریب پریباد، است.



«پریباد» نوشتۀ محمدعلی علومی، روایتی اسطوره‌ای درباره شهری است که یک شبه نابود شده، و تمثیلی از طمع و بهره‌کشی استعمار از مردم ایران است. راوی